

کارشناسان، فعالان سیاسی و نمایندگان مجلس در گفت و گو با «ایران» تأکید کردند

فرصت ملی همکاری با چین گرفتار دعواهای جناحی نشود

گروه‌سیاسی/ امضای تفاهمنامه همکاری‌های بلند مدت ۲۵ ساله میان ایران و چین از ۷ فروردین سال جاری، موضوع پرداخته‌ای در بین افکار عمومی، رسانه‌ها و کارشناسان شده است. رسانه‌های خارجی مخالف نظام اگر چه از ابتدای طرح موضوع فضاسازی علیه این تفاهم نامه را آغاز کردند، اما در فضای داخلی عمده کارشناسان از این رویداد استقبال کرده‌اند. به زعم کارشناسان هر گونه قرارداد راهبردی بین ایران و هر کشور دیگری فی نفسه مثبت است بماند که جمهوری خلق چین حالا با چین دو- سه دهه گذشته هم متفاوت است و در قامت یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی و سیاسی ایفای نقش می‌کند. وزارت خارجه و مقامات دولتی در برابر برخی اظهار نگرانی‌ها و شائبه‌ها مطرح شده تأکید دارند که تفاهمنامه یاد شده، در حال حاضر در نقش یک نقشه راه است و هنوز هیچ قراردادی امضا نشده است. آنها با اشاره به نمونه‌های مشابه همچون

روسیه و افغانستان تأکید دارند که تأمین منافع ملی در اولویت هر اقدام اقتصادی و سیاسی معطوف به حوزه سیاست خارجی است. برخی از کارشناسان هم این نکته را برجسته می‌کنند که همکاری‌های بلند مدت با چین با توجه به ظرفیت‌های مختلف دو کشور برای تقویت همکاری‌ها، می‌تواند سیاست مناسبی برای توازن‌بخشی به سیاست خارجی باشد و هر چه از این قبیل تفاهمنامه‌ها یا قراردادهای بسته شود، می‌راند را در مقابل تکانه‌های خارجی و موارد تحمیلی همچون فشارهای امریکا بیمه می‌کند. آنها تأکید دارند که توسعه روابط با شرق حتی در مناسبات تهران با غرب هم می‌تواند آثار مثبتی داشته باشد. بر همین اساس کارشناسان سیاست خارجی، فعالان سیاسی و نمایندگان مجلس در گفت و گوه‌ای خود با «ایران» ضمن استقبال از همکاری‌های بلند مدت ایران با چین این هشدار را هم می‌دهند که فرجام این مهم، دچار دعواهای سیاسی و جناحی داخلی نشود و سرنوشتی همچون برجام پیدا

نکند. به گفته آنها در شرایط حاضر باید تمرکزها بر جنبه‌های مثبت و تأثیرگذار این تفاهمنامه بر اقتصاد ایران باشد و دعواهای سیاسی نباید همچون مانعی بر سر راه عملیاتی شدن و تبدیل تفاهمنامه به قراردادهای مختلف شود. خبرگزاری ایسنا در گزارشی با اشاره به همکاری‌های دو کشور نوشته‌ است که بر اساس آخرین برآورد منتشر شده از سوی اتاق بازرگانی تهران، چین در ۱۱ ماهه منتهی به بهمن ۹۹، در هر دو حوزه صادرات و واردات اصلی‌ترین شریک تجاری ایران بوده است. طبق این برآورد بیش از ۲۵ درصد از کل صادرات و واردات ایران در سالی که گذشت مستقیماً با چین صورت گرفته و این آمار نشان دهنده ادامه همکاری‌هایی است که از چند سال قبل آغاز شده است. باوجود این حجم تجارت ایران با چین، در قیاس با آنچه که این کشور در سطح جهانی انجام می‌دهد، فاصله‌ای قابل توجه دارد.

همکاری راهبردی برای تأمین منافع ملی

همکاری بلندمدت و راهبردی با جمهوری خلق چین از سال‌های گذشته در دستور کار دیپلماسی ایران قرار داشته است. این موضوع نخستین بار از سوی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مطرح شد و ایشان این ابتکار عمل را در زمان ریاستش بر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز پیگیری می‌کرد.

برای جمهوری اسلامی ایران همکاری‌های راهبردی با کشورهای قدرتمند شرقی از جمله روسیه، هند و چین به مثابه ابزاری است که یکی از کارکردهای آن مقابله با تحریم‌ها و تهدیدهای کشورهای غربی و بویژه امریکا است و بنابراین چنین راهبردی کاملاً در جهت تأمین منافع و امنیت ملی و در چارچوب قوانین پیگیری شده است.

طرف چینی هم با توجه به تصویب طرح «یک کمربند یک راه» در کنگره این کشور می‌دانست که بدون سکوی پرتاب ایران نمی‌تواند در منطقه غرب آسیا حضور داشته باشد و به همین دلیل تمایل زیادی به همکاری با جمهوری اسلامی ایران داشته است.

با وجود این طی سال‌های گذشته تمرکز بیشتر سیاست خارجی کشورمان بر بهبود روابط با اروپا و امریکا قرار گرفت و این سیاست در قالب برجام پیگیری شد. بدعهدی امریکا و اروپا و ناامید شدن از اصلاح سیاست امریکا در دولت آقای بایدن اما یکبار دیگر اهمیت

نگاه به شرق را پررنگ کرد. با توجه به اطلاعی که از روند مذاکرات منتهی به امضای سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین داریم، باید بگوییم که این تفاهم نه تنها راهکار مناسبی برای مقابله با تهدیدها و تحریم‌ها است بلکه همکاری با کشوری که در آستانه تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی جهان است، فرصت خوبی را برای رشد و توسعه پیش پای ما نیز خواهد گذاشت.

بر همین مبنا است که امریکا و رژیم صهیونیستی در زمره مخالفان اصلی این توافق قرار دارند و از هیچ اقدامی برای ایجاد جو نگرانی و مخالفت در داخل ایران علیه این توافق دریغ نکرده‌اند. در مقابل این جوسازی‌ها و شایعه پرانی‌ها معتقدم که اگر اطلاع‌رسانی دقیق در این موضوع از سوی دولت و وزارت امور خارجه صورت گیرد و مردم به این یقین برسند که این نقشه راه همکاری در چارچوب قانون اساسی و حفظ منافع ملی است نه تنها با آن مخالفت ندارند که از آن حمایت نیز خواهند کرد. جزئیات قراردادهایی نیز که در آینده در چارچوب این توافق مطرح خواهد شد، حتماً باید به اطلاع عموم و تصویب مجلس برسد. بنابراین ابراز نگرانی در این باره بی‌مورد است.



حسین فاضل سیاسی
فعال سیاسی
اصولگرا

تجربه موفق همکاری با چین

شاید جزو اولین افرادی بوده باشیم که کار با چین را آغاز کردم. همکاریمان در حوزه صنایع نظامی از سال ۱۳۶۴ که مدیریت سازمان صنایع دفاعی کشور را برعهده داشتم آغاز شد و بعد در چهار سال مسئولیت‌م به عنوان وزیر دفاع ادامه یافت. در دوره اول قراردادهای خرید



اکبر ترککان
عضو مرکزی حزب
اعتدال و توسعه

موشک‌های هوا به زمین و سیستم دفاعی زمین به هوا منعقد شد و بعد همکاری‌های پیشرفته‌تر در خرید موشک‌های زمین به هوا و موشک‌های سطح به سطح و همین‌طور هواپیماهای اف ۷ انجام شد. در همه این قراردادهای طرف از همکاری با هم راضی بودند. البته سختی‌هایی هم وجود داشت از جمله اینکه آنها با تهیه مدارک به روشی که ما پیروی می‌کردیم، آشنا نبودند. پس خودمان در تهیه مدارک فنی و تحلیل نقشه‌ها کمک کردیم. آن همکاری‌ها منجر به انتقال تکنولوژی شد. چین مدارک فنی موشک‌های خریداری شده از سوی ما از جمله موشک‌های سی ۸۰۱، سی ۸۰۲ و اف ام ۸۰ را در اختیارمان گذاشت. همچنین تکنولوژی تولید لامپ‌های راداری را ما از چینی‌ها اخذ کردیم.

در مسئولیت‌های بعدیم نیز همکاری با چین را ادامه دادم. یکی از آن پروژه‌ها قرارداد همکاری یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلاری تأسیس آلومینیوم جنوب بود که حالا این کارخانه در لامرد استان فارس کار می‌کند. با اتکا به این تجربیات باید بگوییم که همکاری‌های بلندمدت با چین و از جمله توافقنامه همکاری ۲۵ ساله را مثبت ارزیابی می‌کنم و بسیار امیدوارم که انعقاد این توافقنامه فشارهای ظالمانه ایالات متحده علیه ما را کاهش دهد.

در پاسخ به بخشی از جامعه نیز که در مواجهه با شایعات و اینکه گفته می‌شود «جزیره کیش را فروختند» نگران شده‌اند، ضمن تأکید بر اینکه این شایعات صحت ندارند، باید بگوییم در توافقنامه چنین چیزهایی اصلاً وجود ندارد. این موافقتنامه یک چارچوب همکاری است که پس از انعقاد آن باید مورد به مورد دستگاه تخصصی ذیربط بنشیند و با دستگاه تخصصی طرف مقابل مذاکره کنند و قرارداد ببندد. این سند تنها یک نقشه راه است برای همه همکاری‌هایی که در آینده انجام خواهد شد و حتماً طرفین در آن همکاری‌ها منافع ملی و ملاحظات خود را مدنظر قرار خواهند داد. قرارداد دیگری هم چنان که می‌دانیم اگر بین شرکت‌ها باشند نیاز به تصویب مجلس ندارد، اما اگر قراردادی بین دو دولت مطرح شود بی‌گمان نیاز به رأی و تصویب مجلس دارد و باید در قالب لایحه به مجلس تقدیم شود. بنابراین هیچ یک از قراردادهای میان ایران و چین در قالب این توافق همکاری از پیشگاه مردم پنهان نخواهد ماند.

توازن در سیاست خارجی

در مسائل مربوط به آمایش سرزمین یک اصل مهم وجود دارد که می‌گوید برای موفقیت پایدار پروژه‌ها باید مشخص شود چه فعالیتی، در کجا و چطور انجام شود. این اصل را می‌توان به تمام شئون سیاستگذاری و حکمرانی کلان و از جمله سیاست خارجی تعمیم داد. از همین منظر



محمدرضا تابش
فعال سیاسی
اصلاح طلب

ما در حوزه سیاست خارجی دچار دو مشکل مهم بوده و هستیم و آن هم یکی نبود توازن و دیگری عدم خلاقیت و عدم عملی به همکاری‌های اقتصادی است. قرارداد ایران و چین با همه نقاط قابل نقدی که دارد، یک اتفاق مثبت از منظر این دو موضوع است.

اول اینکه یک قرارداد بلندمدت راهبردی به معنای شفاف شدن و هدفمند شدن کشور در یک عرصه مشخص است که اینجا به روابط با چین مربوط می‌شود. این امکان برنامه‌ریزی، تعیین اقی‌های مشخص و هدفمندشدن فعالیت‌های مختلف در این حوزه را نوید خواهد داد. مهم‌تر اینکه شفافیتی نسبی را برای روابط آتی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... ایجاد می‌کند. به عبارتی روابط ما را با یک ابرقدرت جهانی از سطح برنامه‌های خرد، بدون ارتباط سیستماتیک و جزیره‌ای خارج می‌کند و به آن یک نظام مشخص، هدفمند و طرح‌ریزی شده می‌بخشد. نکته دوم اما پیام سیاسی این قرارداد است. ما با دو مساله مهم در حوزه روابط خارجی خود مواجه هستیم؛ اول اینکه کشور نیاز به یک منظومه روابط متوازن با شرق و غرب دارد و از سوی دیگر اینکه عموم کشورهای غربی، تحت تأثیر سیاست‌های امریکا از یک همکاری ثمربخش و مسئولانه در این زمینه سر باز می‌زنند. بخش قابل توجهی از اهمیت قرارداد راهبردی با چین، پیام سیاسی آن به غرب درباره ظرفیت بزرگی به نام ایران است. ظرفیتی که در صورت غفلت بیشتر آن‌ها هم در حوزه‌های اقتصادی و هم سیاسی می‌تواند به هم افزایی روزافزون با رقیب اصلی آن‌ها یعنی چین بپردازد. در عبارت دقیق‌تر غرب و امریکا با چنین دست اقداماتی متوجه خواهند شد که فشار آن‌ها صرفاً به معنای انفعال و تضعیف ایران نخواهد بود، بلکه می‌تواند با ابتکارات جدیدی از سوی ایران، فرصتی مغتنم برای رقبای آن‌ها باشد. بنابراین از این منظر قرارداد با چین را می‌توان در ابعادی فراتر از اعداد و ارقام اقتصادی خود این قرارداد تفسیر کرد.

اما نکته مهم دیگر درباره این قرارداد، تفسیری است که منتقدان از سیاست خارجی دولت ارائه می‌دهند؛ این قرارداد که مهم‌ترین تچلی سیاست نگاه به شرق است توسط همان دولتی به ثمر نرسسته که در ماجرای برجام متهم به نگاه تمام عیار به امریکا و غرب و بی‌توجهی به دیگر ظرفیت‌های عرصه بین‌الملل می‌شد.

تفاهم راهبردی در عصر مقاومت

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در روزهای گذشته توافقنامه‌ای را امضا کرده‌اند که بنا به اظهار مقامات وزارت خارجه نقشه راه و سند همکاری استراتژیک ۲۵ ساله به شمار می‌آید. دو کشور بر اساس این سند، در زمینه‌های مختلف از جمله سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، زیرساخت‌ها، شبکه‌های حمل و نقل، ابتکار کمربند راه و تجارت و مبادلات علمی و فرهنگی بین دو کشور را به امضا رسانده‌اند. در همین چارچوب،

سرمایه‌گذاری چین در بخش نفت و گاز و فروش تولید بخش نفت و گاز یکی از جنبه‌های محوری این سند همکاری است. این موارد بیشتر در زمان دیدار آقای شی جین پینگ رئیس‌جمهوری چین از ایران در سال ۱۳۹۴ مورد بحث قرار گرفته بود که با سفر آقای لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۷ به چین به‌عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران، این موارد با جدیت دنبال و در نهایت در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ پیش نویس این سند همکاری از سوی وزارت امور خارجه منتشر شد و بازتاب وسیعی در شبکه‌های اجتماعی داشت. با سفر آقای یانگ یی وزیر خارجه چین به ایران در روز ۷ فروردین این سند به امضای وزرای خارجه ایران و چین رسید. باید یادآور شد که برای امضای این سند هر یک از زمینه‌های همکاری جهت توافق، قبلاً در هریک از وزارتخانه‌ها و نهادهای کار کارشناسی مورد بررسی قرار گرفته و ابیاعد مختلف آن در نظر گرفته شده است. اجرایی شدن هر یک از پندهای این توافق، منوط به مشخص شدن و تفکیک حوزه‌های همکاری و ارجاع آن به وزارتخانه و نهاد مربوطه است و وقتی مسئولان و نهادهای مشخص هر حوزه بحث



بهرام امیرامحمدیان
استاد دانشگاه و
پژوهشگر مسائل
اوراسیا

و بررسی کرده و به تفاهم رسیدند، یک قرارداد تنظیم می‌شود که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران برسد و سپس برای اجرا به دولت ابلاغ شده و دولت آن را به‌صورت قانونی اجرا کند. زیرا براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ دولتی نمی‌تواند بدون مصوبه مجلس با یک کشور خارجی قرارداد امضا کند. از سوی دیگر دستیابی به این توافقنامه محصول ماه‌ها و سال‌ها کار کارشناسی است و جنبه‌ها و ابعاد مختلف در آن دیده شده است و متخصصان و دستگاه‌های مرتبط آن را مورد ارزیابی قرار داده‌اند و ابیاعد حقوقی و اجرایی آن که در این سند به کار رفته است، مورد توجه قرار گرفته است.

امضای این سند همکاری در حالی صورت گرفته است که ایران در شرایط جاری که با تحریم‌های فزاینده امریکا روبه‌رواست و کشورهای اروپایی هم توانستند زیان‌های ناشی از تحریم‌های یکجانبه امریکا را جبران کرده و خود وارد تعامل با ایران شوند، ایران تصمیم گرفته است که از منابع خود بهره‌برداری کند و شرایط اقتصادی کشور را بهبود بخشد. البته آنکه بنا بر اعلام رئیس بانک مرکزی ایران، اکنون وابستگی بودجه کشور به نفت کمتر شده و به ۵۰ درصد رسیده است. بنابراین نیازی در درآمد دولت برای هزینه‌های عمومی، زیرساخت‌ها و... باید از طریق درآمدهای بخش نفت و گاز تأمین شود و این بخش شدیداً به سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیاز دارد و ایران و چین تصمیم گرفته‌اند در این زمینه همکاری داشته باشند. چین آماده سرمایه‌گذاری در ایران بویژه در بخش نفت و گاز و زیرساخت‌های حمل‌ونقل است.

این سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند با همکاری کشورهای بزرگی که امکان کار با آنها وجود دارد، حاصل شود. به‌همین سبب چین در اولویت قرار گرفته است.

این در حالی است که امضای این سند موجی از نگرانی‌ها را در فضای رسانه‌ای بویژه شبکه‌های اجتماعی در بین افکار عمومی به وجود آورده است که نیازمند

پایدار می‌رسد. از همین رو از این سند به‌عنوان بزرگترین قرارداد پس از پیروزی انقلاب اسلامی یاد می‌کنم که از منظر سرمایه گذاری- اگر نگوییم بی‌نظیر- کم نظیر است.

با آغاز سال ۱۴۰۰ رهبر معظم انقلاب از موانع و پشتیبانی‌هایی که در مسیر تولید وجود دارد گفتند و امسال را به اسم «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» نامگذاری کرده‌اند. پس چه خوب است که به تأسی از این شعار همه دست در دست هم دهند و در صورت منسجم از این قرارداد حمایت کرده تا بتوانند از فرصت‌های پیش آمده به نحو احسن بهره‌برداری کنند.

در روزهای اخیر شاهد شکل‌گیری مباحثی در مورد امضای این سند در فضای رسانه‌ای معاند و حتی اظهارات برخی در داخل کشور بوده‌ایم. اما با تجربه‌ای که از قراردادهای پیش از این داشته‌ایم بهتر است که در نوع رفتار خود تغییر داده و گروه‌های سیاسی سعی کنند با آن همچون برجام برخورد نکنند تا فردا روزی کشور چین از وضعیت داخلی ما



محمّد باقری بنایی
رئیس فراکسیون
مستقلین مجلس

درباره چین مثل برجام جناحی رفتار نکنیم

سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین یکی از قراردادهای مهم پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. آنگونه که در برخی از مفاد آن که از سوی وزیر امور خارجه کشورمان منتشر شده؛ اهداف مهم سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در آن در نظر گرفته شده که مهم‌ترین آنها شامل همکاری در حوزه‌های نفت و صنعت و معدن و حوزه‌های مرتبط با انرژی و همچنین همکاری در زمینه‌های زیرساختی و ارتباطی و آموزشی و بهداشتی و تسهیل همکاری‌های مالی و بانکی و

گمرکی می‌شود. اینچنان که از چکیده اهداف این سند پیداست، دیگر شکی در تأثیرگذاری آن در توسعه پایدار کشور باقی نمی‌ماند. اهداف پیش‌بینی شده طرفین در این سند که تقریباً در همه زمینه‌ها به آن اشاره شده است، می‌تواند پس از سال‌ها کشور را در مسیری قرار دهد که به توسعه

نخست وزیر کره جنوبی در راه تهران

«**خبراول اینکه،** رسانه‌های کره جنوبی از احتمال سفر «چانگ سیه کیون» نخست وزیر کره جنوبی به تهران با هدف گفت‌وگو در مورد آزادسازی کشتی توقیف شده این کشور خبر دادند.

به گزارش ایرنا، تلویزیون «اس بی اس» کره جنوبی در گزارشی اعلام کرد که چانگ قرار است بعد از این که بار دیگر به عنوان نخست وزیر این کشور انتخاب شد به تهران سفر کند. بر اساس این گزارش، سفر چانگ به تهران که با هدف گفت و گو در مورد آزادسازی کشتی توقیف شده این کشور صورت می‌گیرد نخستین سفر خارجی وی بعد از انتخاب مجدد است. نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۵ دی ماه سال گذشته یک فروند شناور کره جنوبی با نام تجاری «هانگوک چیمبی» حامل ۷ هزار و ۲۰۰ تن مواد شیمیایی را به دلیل نقض پروتکل‌های زیست محیطی در خلیج فارس توقیف کرد. یک مقام عالی رتبه دولت کره جنوبی به تلویزیون «اس بی اس» گفت: انتظار می‌رود سفر چانگ از ۱۱ ماه آوریل (۲۲ فروردین) آغاز شود. او قرار است در این سفر با حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران دیدار کند. این در حالی است که روز جمعه یک منبع دیپلماتیک کره جنوبی به خبرگزاری یونپاچ این کشور گفت: ایران به احتمال زیاد تاکنون رفتی توقیف شده کره جنوبی و ناخدای آن را اوایل هفته آینده آزاد خواهد کرد.

سنا توره‌ای امریکایی: بایدن گام اول را بردارد

«**خبردیگر اینکه،** «کریس مورفی» و «رو کانا» سناتورهای دموکرات با اشاره به بن‌بست ایجاد شده میان امریکا و ایران درخصوص برجام، از دولت بایدن خواستند برای برداشتن گام‌های اول به منظور بازگشت به برجام ابراز تمایل کند.

به گزارش تانینگ، مورفی در وینبوری گفت به همراه سناتور «تیم کین» در حال نوشتن نامه‌ای است که روشن می‌کند حمایت قابل توجهی در سنای امریکا از رویکرد پایبندی دوجانبه وجود دارد. وی با بیان اینکه دونالد ترامپ به توصیه کسانی که مخالف برجام بودند گوش داد، افزود: او فهرستی شامل ۱۲ تقاضا را مقابل ایران قرار داد که برنامه هسته‌ای، برنامه موشکی و حمایت از حماس را شامل می‌شد و بعد منتظر ماند و ماند و ماند. نه تنها ایران درباره هیچ یک از آن ۱۲ موضوع که دولت ترامپ فهرست کرده بود پای میز مذاکره نیامد، بلکه برنامه تحقیقات هسته‌ای خود را مجدداً آغاز کرد. مورفی در ادامه با اشاره به سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ، ادامه داد: فشار حداکثری شکست ناخوشایند ۱۰۰ درصدی بود و بنابراین همان‌طور که برای بازگشت به برجام آماده می‌شویم، مهم است که به مخالفان آن یادآوری کنیم استدلال آن‌ها آزمایش شده است؛ استدلال آن‌ها شکست خورده است. اکنون کار، بازگشت هر چه سریع‌تر به توافق است. این سناتور امریکایی یادآور شد که واشگتن نخستین طرفی بود که برجام را ترک کرد و بنابراین نباید در برداشتن نخستین گام برای بازگشت به آن ملاحظه نشان دهد.

پاسخ عبدی به ادعای میرسلیم

«**دست‌آخر اینکه،** عباس عبدی به اظهارات میرسلیم درباره توافق ایران و چین واکنش نشان داد.

به گزارش خبرآنلاین، این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در توتیتی در واکنش به اظهارات مصطفی میرسلیم درباره سند همکاری ایران و چین نوشت: «اصولگرایان محترم آنقدر غرق در کینه و نفرت هستند که متوجه نیستند حرف‌هایشان نشانگر زیر سوال رفتن استقلال کشور است، فقط استقلال مانده بود که ظاهراً صرف هزینه بقای آقایان می‌شود.» گفتنی است سید مصطفی میرسلیم نماینده تهران در مجلس در مصاحبه‌ای گفته بود که دولت چین احساس می‌کرد دولت روحانی از آنها سوء استفاده می‌کند و وقتی هیچ خبری از دولت ندیدند، مستقیماً با رهبری مذاکره کردند و برای قرارداد ۲۵ ساله توافق کردند.

تسریع تضعیف رژیم تحریم

این روزها امضای سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین به یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مورد بحث با قابلیت تجزیه و تحلیل فراوان تبدیل شده است؛ در میان انتقادهایی که در فضای مجازی و از سوی مخالفان مطرح می‌شود نباید از تأثیرات مثبتی که این سند بر اقتصاد کشورمان خواهد گذاشت بگذریم.

مسأله نخست که در امضای این نوع سندهای همکاری وجود دارد و از آن می‌توان به اثر غیرمستقیم یاد کرد؛ تضعیف رژیم تحریم علیه ایران است. این اسناد ولو اینکه جنبه حقوقی هم پیدا نکرده و در حد همین سند سیاسی باقی بماند می‌تواند صف آرایی علیه جمهوری اسلامی ایران را که با اجرایی کردن تحریم‌ها اتفاق افتاده و بشکند و به تبع همین رویداد تجارت ما با سایر کشورها تسهیل خواهد شد. مورد دوم که از آن به‌عنوان اثر مستقیم نام می‌بریم اثرافزایی سرمایه‌گذاری در ایران است، اقدامی که سال‌هاست به‌دلیل وجود تحریم‌ها اتفاق نیفتاده یا به سختی قابل تحقق بود یا این سند همکاری و اسنادی از این دست؛ مزایا و منافع اقتصادی زیادی را به همراه دارد که نتیجه آن در آینده نزدیک چیزی جز رونق اقتصادی نخواهد بود.

نکته قابل توجه این است که متأسفانه امضای سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین اسیر واقع نمایی نادرست شده در حالی که اصل موضوع چیز دیگری است؛ فضاسازی‌هایی که توسط رسانه‌های معاند صورت گرفته با آنچه که در واقع انجام شده و از سوی مقامات سیاسی هم مورد تأیید قرار گرفته تفاوت بسیاری دارد. ما با یک سند جامع در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و همکاری‌های امنیتی و دفاعی روبه رو هستیم که به شکل بلندمدت تدوین شده و با توجه به اینکه اقتصاد چین بزودی رتبه اول دنیا را از آن خود خواهد کرد مزایای فراوانی برای کشور ما در پی دارد.

امضای این سند این امکان را به سایر کشورها هم خواهد داد که اگر تاکنون و به دلیل وجود تحریم‌ها وارد تعامل با کشور ما نمی‌شدند تشویق به همکاری شده یا حداقل حفظ رژیم تحریم علیه ایران را برای ایالات متحده امریکا بسیار پرهزینه سازند. امریکایی‌ها اگر ببینند که چنین سندی در دست اجرا بوده و رسیدن به خواسته‌هایشان را پرهزینه و کم فایده می‌سازد مجبور به کنار گذاشتن سیاست‌های تحریمی خود خواهند شد. کمابینکه ریاست جمهوری اسبق ایالات متحده امریکا پس از تصویب برجام در گفت‌وگو با یکی از شبکه‌های تلویزیونی عنوان کرده بود که رژیم تحریم داشت از هم فروشی باشید و ما چاره‌ای جز توافق نداشتیم. با این حال باید بسی امیدوار بود که این نوع همکاری‌ها با چین به کشورهای دیگر فروپاشی رژیم تحریم علیه کشورمان را تسریع می‌کند و منافع اقتصادی فراوان آن، هم به شکل مستقیم و هم غیرمستقیم ایران را در بر می‌گیرد. متر و معیار اصلی در برآورد هزینه‌ها و فایده‌ها در چنین توافق‌هایی حفظ منافع ملی و دوری از هرگونه مسامحه است. بنابراین نگرانی نسبت به چنین سندی بلاموضوع بوده و نمی‌توان بدون اطلاع آن را مورد همه قرار داد.